

جستاری در نشانه‌شناسی شهری

تاریخ دریافت: ۸۹/۲/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۳/۳۰

حمید ماجدی*، زهرا السادات سعیده زرابادی**

چکیده

امروزه توجه به مفهوم نشانه‌ها در شهر، به‌عنوان یکی از دغدغه‌های حرفه‌مندان و نظریه‌پردازان شهری تبدیل شده است. به‌کارگیری نشانه‌شناسی به مثابه ابزاری برای تحلیل و ارزیابی هویت، استعاره‌ها و دلالت‌های تصریحی و تلویحی در ساختار شهر، نمودی از کاربرد نشانه‌شناسی شهری است. در مقاله حاضر، پس از تبیین مفاهیم پایه و تشریح ضرورت‌های نظری آنها در حوزه نشانه‌شناسی، به دستیابی اسلوبی در راستای بازشناسی و رمزگشایی از نظام‌های نشانه‌ای در شهر اشاره می‌شود و اصول و پارادایم‌های این رویکرد به اختصار مورد توجه قرار می‌گیرد. در حال حاضر، فرایندهای تأویلی نظام‌های نشانه‌ای در شهر، که هدف آنها نشان دادن معنی اجتماعی-فرهنگی محیط کالبدی است، کمتر مورد توجه بوده و واکاوی پیرامون آن حائز اهمیت است. رویکرد نشانه‌شناسی شهری درصدد است تا شکل شهر را بر اساس نظام نشانه‌ها تبیین کند. به عبارت دیگر نشانه‌شناسی شهری می‌خواهد بیان دارد که چگونه محیط کالبدی بر اساس عمل کردن به صورت نظام‌های نشانه‌ای معنای اجتماعی می‌یابد. بر این اساس می‌توان چنین نتیجه گرفت، که نشانه‌شناسی شهری ابزاری ارزشمند برای بازنمایی واقعیت در شهرها محسوب می‌گردد.

کلید واژه‌ها:

نشانه، رمزگان، شهر، روش رمزگشایی، نشانه‌شناسی شهری

مقدمه

در پرداختن به نشانه‌شناسی شهری و پژوهش پیرامون آن، توجه به برخی تعاریف پایه‌ای که در علم نشانه‌شناسی کاربرد دارد، الزامی است. این مفاهیم در تبیین موضوعات گوناگون نشانه‌شناختی به انحاء مختلف مورد تأکید بوده و در روند نشانه‌شناسی از کلیه نظام‌هایی که موضوع این علم‌اند، نقش اساسی ایفا می‌کند. مسلماً تحقق این مطلب با بررسی دقیق و درک کاملی از مفاهیمی همچون نشانه، رمزگان، نشانه‌شناسی، شهر و ارتباط تنگاتنگ و چند سویه آنها میسر است. جستجو برای بازیابی معانی‌ای که انسان به شهر می‌دهد کار دشواری است. شهرها زاینده نیازهای اجتماعی انسان هستند و همین نیازها اشکال و روش‌های بازنمایی آنها را مضاعف می‌سازد. از این رو، برای بازنمایی واقعیت در شهرها، از روش‌های متداول در زبان‌شناسی و معنی‌شناسی استفاده می‌شود. در زبان‌شناسی، معماری زبانی است که شهر متن آن است. در معنی‌شناسی، شکل شهری، متنی است که تفسیر می‌شود. هدف نشانه‌شناسان مطالعه نظام یافته معنی از طریق نشانه‌های متبلور در صورت و محتوای شهر است.

روش تحقیق پژوهش حاضر تحلیلی و اسنادی است، که با بهره‌گیری از منابع موجود، و پس از بیان پیشینه‌ای از دیدگاه‌های متقدمین نشانه‌شناسی پیرامون نشانه و مقایسه تطبیقی نظریات آنها، تعریفی جامع از رمزگان و تبیین شاخص‌های عملیاتی آن صورت گرفت. سپس با بهره‌گیری از رمزگان‌ها، نظام‌های نشانه‌ای در شهر مورد کنکاش قرار گرفت و در نهایت شیوه‌ای برای بازنمایی نشانه‌ها در شهر معرفی شد.

۱. تعاریف و مفاهیم پایه

• نشانه

به نظر می‌رسد انسان در میان تمامی موجودات، گونه‌ای است که به شدت میل به معنا سازی دارد، و معنا را از طریق تولید و تفسیر «نشانه‌ها» به وجود می‌آورد. به تعبیری «فقط از طریق نشانه‌هاست که می‌تواند بیان‌دیشد». نشانه‌ها معمولاً به شکل کلمات، تصاویر، اصوات، بوها، طعم‌ها، حرکات و اشیاء ظاهر می‌شوند. اما، این چیزها ذاتاً معنی‌دار نیست و فقط وقتی که معنایی به آنها منصوب شود تبدیل به نشانه می‌شود. هیچ چیز نشانه نیست مگر این که به عنوان «دلالت‌گر»، ارجاع دهنده، یا اشاره‌گر به چیزی غیر از خودش تلقی شود. در این صورت می‌تواند نشانه باشد. درک نشانه‌ها به طور کاملاً ناخودآگاه از طریق ارتباط دادن آنها با نظام‌های آشنایی از هنجارها و قراردادهای اجتماعی تحقق می‌یابد. این استفاده معنادار از نشانه‌هاست که در کانون اهمیت نشانه‌شناسی قرار دارد (چندلر، ۱۳۸۶: ۴۵).

بدین ترتیب، هر نشانه به یک واحد اطلاعات اشاره و دلالت دارد. پیکربندی نشانه‌ها در کنار یکدیگر نیز دارای معنی است. الگوهای اولیه که به بررسی ساختار نشانه پرداخته‌اند، متعلق به زبان‌شناس سوئیسی فردینان دو سوسور^۱ و فیلسوف آمریکایی چارلز سندرز پیرس^۲، می‌باشد. کماکان الگوهایی که سوسور و پیرس از مفهوم نشانه مطرح کرده‌اند، اعتبار بنیادی خود را حفظ کرده و مبنای تحولات بعدی شده است. لذا در ادامه این بحث، نخست مفهوم ساختار درونی نشانه و جایگاه نشانه در کلیت نظام نشانه‌ای از دیدگاه سوسور و سپس پیرس (جدول ۱) و سپس مقایسه تطبیقی از آنها (جدول ۲) صورت می‌گیرد (Deely, 2003).

جدول ۱: نشانه از دیدگاه اندیشمندان متقدم

ساختار درونی نشانه	جایگاه نشانه در کلیت نظام نشانه‌ای
<ul style="list-style-type: none"> • الگوی دو وجهی • نشانه کلیتی از پیوند بین دال و مدلول است. • رابطه بین دال و مدلول را اصطلاحاً "دالت" می‌نامد. • دو وجه نشانه وابستگی متقابل به یکدیگر دارند و هیچ یک مقدم بر دیگری نیستند. • مدلول سوسوری با ارجاع به واقعیت تشخیص نمی‌یابد، بلکه مفهومی ذهنی است. • مدلول شیء نیست، بلکه تصور شیء است. • در الگوی سوسور، ارجاع نشانه به یک مفهوم است نه یک شیء. • نشانه دارای ارزشی «مطلق» که مستقل از بافت آن باشد، نیست. 	<ul style="list-style-type: none"> • نشانه‌ها در اصل به یکدیگر ارجاع می‌دهند. • ارزش نشانه، ناشی از رابطه آن با نشانه‌های دیگر است. • معنای نشانه‌ها، ناشی از رابطه نظام یافته آنها با یکدیگر است. • بازه‌های نظام نشانه‌ای ساخت‌گرا: - هویت نسبی نشانه‌ها در ارتباط با یکدیگر در درون یک نظام، اصل اساسی نظریه ساخت‌گرایی است. - در تحلیل ساخت‌گرایانه، تأکید بر روابط ساختاری است. - تصور او از معنا در نظام نشانه‌ای به طور محض ساختاری و نسبی است نه ارجاعی.
<ul style="list-style-type: none"> • الگوی سه وجهی: نمود، تفسیر، مصداق. • تعامل بین نمود، شیء و تفسیر را پیرس "نشانگی" می‌نامد. • طبقه‌بندی سه‌گانه نشانه: نماد، نمایه، شمایل. • نقش تفسیرگر: هیچ‌گاه نمی‌توان کاربران نشانه‌ها را از نشانه‌ها و از ارجاعات نشانه‌ها جدا کرد. 	<ul style="list-style-type: none"> • این که نشانه‌ای نمادین است، شمایی است یا نمایه‌ای، در اصل به شیوه کاربرد آن نشانه وابسته است. • نشانه‌ها را نمی‌توان بدون توجه به بافت‌های خاص کاربردشان در سه حالت فوق‌الذکر طبقه‌بندی کرد. • هرچه دال بیشتر توسط مدلول تحمیل شود، «انگیزش» نشانه بیشتر است: نشانه‌های شمایی به شدت انگیزنده؛ نشانه‌های نمادین کاملاً غیرانگیزنده‌اند.

جدول ۲: مقایسه نشانه از دیدگاه پیرس و سوسور

اشتراکات	افتراقات
<p>نمود کم و بیش مشابه دال، سوسوری است و تفسیر نیز بی‌شبهت به مدلول، سوسوری نیست.</p> <p>چه در الگوی دو وجهی و چه در الگوی سه وجهی، نقش تفسیرگر مورد توجه است. در واقع هیچ‌گاه نمی‌توان کاربران نشانه‌ها را از نشانه‌ها و از ارجاعات نشانه‌ها جدا کرد. مرز قاطعی بین نشانه‌های نمادین و آن دو نوع دیگر نمی‌توان کشید. و باید این نکته را به خاطر داشت که این سه مقوله از نشانه‌ها الزاماً مقوله‌های قطعی و قطبی نیستند و در نوعی رابطه پیوستاری با یکدیگر قرار دارند.</p>	<p>در الگوی پیرس شاهد وجود ابژه یا چیزی شبیه مصداق هستیم که در الگوی سوسوری جایی به آن داده نشده است. پیرس و سوسور واژه "نماد" را به دو معنی متفاوت به کار می‌برند. از دید پیرس نماد نشانه‌ای است که به موجب یک قانون بر ابژه خود دلالت می‌کند و قراردادی است. اما سوسور معتقد است نمادها، ترکیب‌بندی‌های قراردادی و تهی نیستند، آنها دست‌کم نشانی از ارتباط طبیعی را با خود دارند. ارتباطی طبیعی بین دال و مدلول که سوسور آن را "عقلانی" نامیده است.</p>

بنابراین نشانه کلمه‌ای فراگیر^۲ است که اصطلاح‌های نماد، نمایه و شمایل را در برمی‌گیرد. بررسی‌های جدیدتر علم نشانه‌شناسی رمزگان‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد (میرهن، ۱۳۷۸: ۷). در این تحقیقات از رمزگان‌های به کار رفته در نظام‌ها، نحوه کنار هم قرارگرفتن آنها، مفاهیم هریک از رمزگان‌ها، عمل انتقال معنا و بافتی که معنی هریک از رمزگان‌ها در آن تعیین می‌شود، صحبت به میان می‌رود (Deely, 2005).

• رمزگان

مفهوم «رمز» در نشانه‌شناسی بسیار بنیادی است. رمزگان چارچوبی را به وجود می‌آورد که در آن نشانه‌ها معنا می‌یابند. در واقع نمی‌توان چیزی را که در قلمرو رمزگان نیست نشانه نامید. به علاوه اگر رابطه میان دال و مدلول را اختیاری فرض کنیم، آنگاه روشن است که تفسیر معانی مرسوم نشانه‌ها، مستلزم آشنایی با مجموعه‌های مناسبی از قراردادهای و هنجارها است. رمزگان، نشانه‌ها را به نظام‌های معنادار تبدیل می‌سازد و بدین ترتیب باعث ایجاد رابطه میان دال و مدلول می‌گردد. تولید و تفسیر متون به وجود رمزگان یا قراردادهای ارتباطی بستگی دارد. بنابراین معنای نشانه به رمزی که در آن قرارگرفته بستگی دارد.

قراردادهای رمزگان نشانگر بعدی اجتماعی در نشانه‌شناسی هستند. وقتی نشانه‌شناسان به مطالعه فرآیندهای فرهنگی می‌پردازند، با اشیاء یا کنش‌هایی که برای اعضای گروه‌های فرهنگی معنا دارند به عنوان نشانه برخورد می‌کنند، و به دنبال درک نقش‌ها یا قراردادهای فرآیند تولید معنا در فرهنگ می‌باشند. رمزگان صرفاً با «قراردادهای ارتباطی» برابر نیستند؛

بلکه عبارت از نظام‌هایی رویه‌ای از قراردادهای مناسبی هستند که در قلمروهای خاص خود عمل می‌کنند. نشانه‌شناسان به دنبال درک رمزگان و قواعد ضمنی و محدودیت‌هایی هستند که در فرآیند تولید و تفسیر معنای هر رمز وجود دارد (چندلر، ۱۳۸۶: ۲۲۱-۲۱۹).

از آن جا که رمزپردازی، خاستگاهی مکنون دارد، نوعی فرآیند است. کاربرد قرارداد را مشخص می‌کند و آن را گسترش می‌دهد و به این ترتیب است که نشانه، رمزپردازی و رمزگشایی می‌شود. این نسبی بودن ویژگی‌های نشانه، در اغلب مفاهیم عملیاتی نشانه‌شناسی وجود دارد. نشانه‌ها، بسته به مورد، کم یا زیاد انگیخته‌اند، نظام‌ها کم یا زیاد ساختمند هستند و تحلیل نشانه‌شناختی هر متن یا فرآیند، شامل در نظر گرفتن چندین رمزگان و روابط میان آن‌هاست. نیاز به تقسیم رمزگان‌ها در گروه‌های مختلف ضروری است. بدون طبقه‌بندی رمزگان‌ها، درک کاملی از نظام‌های نشانه‌ای صورت نمی‌گیرد. انواع رمزگان‌ها در قالب علمی (منطقی)، اجتماعی و زیبایی‌شناختی قابل تفکیک‌اند و دارای تمایزات و وجوه اشتراک می‌باشند (Danesi, 2007).

هدف یک رمزگان علمی، خنثی‌سازی و به حداقل رساندن تنوعات و ارزش‌های مبتنی بر دلالت‌های ضمنی است. حال آنکه رمزگان‌های زیبایی‌شناختی تنوعات و ارزش‌ها را تحقق می‌بخشند و به آنها پر و بال می‌دهند. رابطه میان دال و مدلول همواره مبتنی بر قراردادها است. اما، قرارداد می‌تواند تلویحی یا تصریحی باشد، و این یکی از مرزهایی (مرزهای نامتعینی) است که رمزگان‌های منطقی را از رمزگان‌های زیبایی‌شناسی و هنری متمایز می‌کند (جدول ۳).

مفهوم قرارداد "به ویژه قرارداد تلویحی" مفهومی نسبی است؛ نشانه‌ها اغلب انگیخته‌اند؛ ولی تحول تاریخی گرایش به محو انگیختگی دارد. هنگامی که دیگر انگیختگی قابل مشاهده نباشد، نشانه‌ها از دلالت‌های تلویحی بهره می‌گیرند. قرارداد مراتب و مدارجی دارد، و میزان قوت، فراگیری، و محدود کنندگی آن می‌تواند کم یا زیاد باشد. دلالت نیز می‌تواند رمز پرداختگی کم یا زیاد داشته باشد. هرچه یک رمزگان منطقی‌تر باشد، مقیدتر، ساخت‌مندتر و اجتماعی‌تر شده‌تر است و بالعکس (Chandler, 2007).

جدول ۳: شاخص‌های عملیاتی رمزگان‌ها

تمایزات بنیانی در شکل‌گیری انواع رمزگان‌ها		
<ul style="list-style-type: none"> - دلالت تصریحی (عینی) - نشانه تک معنا - فراگیری زیاد (استفاده توسط کاربران بیشتر) - دقیق‌تر - ارزش نشانه محدود (به تناسب کاربران تنوع معنای کمتر) - واجد ساختار مشخص (تعریف شده) - انگیختگی (رابطه بارز بین دال و مدلول) ○ انگیختگی درونی (همانندی در محتوی) ○ انگیختگی بیرونی (هم شکلی در صورت) - رمزگشایی آسان‌تر 	<ul style="list-style-type: none"> - دلالت تلویحی (ضمنی - ذهنی) - نشانه چند معنا - فراگیری کم (استفاده توسط کاربران کمتر) - مبهم‌تر - ارزش نشانه نامحدود (به تناسب کاربران تنوع معنای بیشتر) - چند ساختاری (عدم وضوح در ساختار) - غیر انگیخته (ارتباط چندگانه بین دال و مدلول) - رمزگشایی دشوارتر 	
شاخص‌های عملیاتی رمزگان‌های منطقی	شاخص‌های عملیاتی رمزگان‌های زیبایی‌شناسی	شاخص‌های عملیاتی رمزگان‌های اجتماعی
<p>ماهیت: براساس نظامی از اصول بدیهی و عینی طرح‌ریزی شده‌اند. تفوق در دلالت‌های ارتباطی انسان با محیط و انسان با طبیعت.</p> <p>دامنه کاربرد: هماهنگ کردن کنش‌ها، تنظیم حرکات جمعی در افراد جامعه، انتقال اطلاعات و فرمان‌ها، بازنمایی ساختار عینی یک واقعیت پیچیده.</p> <p>انواع رمزگان منطقی: نظام‌های علامتی، قوانین، برنامه‌های آموزشی و ...</p>	<p>ماهیت: غالباً منش شمایی دارند، با آفرینش همراهند (قدرت آفرینندگی بالا)، نشأت گرفته از تجربه احساسی. تفوق در دلالت‌های ارتباطی انسان با محیط و طبیعت.</p> <p>دامنه کاربرد: انتقال چند وجهی معنا، وحدت پیام و ابژه (خود پیام، موضوع است).</p> <p>انواع رمزگان زیبایی‌شناسی: هنر (نقاشی، سفالگری، مجسمه‌سازی، ...)، ادبیات و معماری ...</p>	<p>ماهیت: فرد توسط نشانه، هویت و تعلق خود را به گروه یا سازمانی مشخص می‌نماید، اما در عین حال او هم حامل نشانه است و هم جوهرش و آن را نهادینه می‌کند. تفوق در دلالت‌های ارتباطی انسان با انسان. نشأت گرفته از تجربه منطقی و احساسی.</p> <p>دامنه کاربرد: برای سازمان‌بندی جامعه و سازمان دلالتی آن به کار می‌روند.</p> <p>انواع رمزگان‌های اجتماعی: نشانه‌های هویت (نشان‌ها و شاخص‌ها) و ارتباطات اجتماعی که بی‌شمارند: آیین‌ها، جشن‌ها، مراسم، میثاق‌ها، رمزگان‌های ادب و بازی‌ها، ...</p>

• نشانه‌شناسی

پس از بحثی که در مورد عمده‌ترین دیدگاه‌ها درباره "نشانه" شد، حال ضروری است حوزه مطالعاتی نشانه‌شناسی مشخص گردد. معلوم گردد که نشانه‌شناسی به مطالعه چه می‌پردازد و چه جایگاهی در رابطه با دیگر علوم دارد. نشانه‌شناسی مطالعه نشانه‌ها و فرایندهای تأویلی^۴ آنها را شامل می‌شود. سوسور در تعریف نشانه‌شناسی می‌گوید «نشانه‌شناسی برای ما مشخص می‌سازد که نشانه از چه تشکیل شده و چه قوانینی بر آنها حاکم است. از آن جا که این دانش هنوز به وجود نیامده است، نمی‌توان گفت که چه خواهد بود، ولی چون حق وجود دارد، جایگاهش از پیش تعیین شده است. زبان‌شناسی تنها بخشی از این دانش عمومی است» (سجودی، ۱۳۸۳: ۴۷-۴۶). باتوجه به وسعت دامنه نشانه‌شناسی که علم مربوط به همه نظام‌های نشانه‌ای است، تنها زمانی می‌توان برخوردی آموزشی با آن داشت که این نظام‌ها به طور تجربی شکل گرفته و تحلیل گردند.

بنابراین از نشانه‌شناسی می‌آموزیم که در جهانی از نشانه‌ها زندگی می‌کنیم و هیچ راهی برای فهم چیزها جز از طریق نشانه‌ها و رمزگانی که در آن سازمان یافته‌اند نداریم. از طریق مطالعه نشانه‌شناسی آگاه می‌شویم که نظام‌های نشانه‌ای و رمزگان‌شان معمولاً شفاف‌اند و اعمال ما در «خوانش» آنها پنهان می‌شود. با زندگی در جهانی که نشانه‌های بصری هر لحظه در آن بیشتر می‌شوند، لازم است بیاموزیم که حتی واقعی‌ترین نشانه‌ها همان چیزهایی نیستند که نشانمان می‌دهند. با دادن وضوح بیشتر به رمزگانی که نشانه‌ها با آن تفسیر می‌شوند، عمل مهم «خوانش» نشانه‌ها را انجام می‌دهیم. البته همگی نشانه‌ها، در بازنمایی‌های واقعیت از شأنی برابر برخوردار نیستند. نشانه‌ها در تعیین دادن به واقعیت کارکردهایی ایدئولوژیک دارند (چندلر، ۱۳۸۶: ۴۲-۴۰).

• شهر

معنای لغوی شهر عبارتست از: "مدینه، بلد و اجتماع خانه‌های بسیار که مردمان در آن سکنی می‌کنند. آبادی که بر خانه‌های بسیار و خیابان‌ها و میدان‌ها و بازارها مشتمل و دارای سازمان‌های اداری و انتظامی باشد" (دهخدا، ۱۳۷۸). امروزه تعاریف متنوعی برای شهر ذکر می‌شود که هر کدام متأثر از پیش‌فرض‌هایی است. اهم این پیش‌فرض‌ها عمدتاً کمی هستند. اگر چه در عصر حاضر شاخص‌های مادی و کمی به عنوان وجه تمایز شهر و انواع مجتمع‌های زیستی دیگر به کار گرفته می‌شود، ولی از توجه به این نکته اساسی نیز نباید غفلت کرد که در طول تاریخ ابعاد معنوی و فرهنگی و کیفی نیز در تعریف شهر، نقشی شایان توجه ایفا نمود. ضمن آن که، تحولات فکری جامعه بشری به همراه پیشرفت علوم و ارائه تئوری‌های جدید، اهمیت ملحوظ داشتن و پرداختن به ابعاد کیفی و فرهنگی را بیش از پیش روشن کرده است. یکی از این مباحث، نگرش به شهر به عنوان موجودی زنده است، که در واقع بیانگر تجلی روح جمعی جامعه در کالبد و فضاهای شهری و تنظیم روابط بین آنها می‌باشد (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۵۸-۵۶).

شهر در معنای تاریخی خود، نقطه‌ای است که در آن حداکثر تمرکز قدرت و فرهنگ یک اجتماع متبلور می‌شود. شهر، شکل و نشانه روابط منسجم اجتماعی و جایگاه مراکز و فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... است. در شهر تجارب انسانی به علائم ماندگار، نمادها، الگوهای رفتاری و دستگاه‌های نظم ترجمه می‌شود. در آنجا مسایل تمدن متمرکز می‌گردد. آئین‌ها و تشریفات هر از گاهی به درام پر جنب و جوش از جامعه‌ای کاملاً ناهمگون و خودآگاه تبدیل می‌شود. شهرها محصول زمان هستند. در شهر، زمان مرئی می‌شود: بناها، یادمان‌ها و معابر عمومی، در مقایسه با مصنوعات پراکنده نواحی غیرشهری، بیش از گذشته در برابر دیدگان انسان‌ها خودنمایی می‌کند. زمان در تقابل و تعارض با مکان قرار می‌گیرد. عادات و ارزش‌ها به فراسوی گروه‌های انسانی معاصر انتقال می‌یابد و با لایه‌های زمان که مشخصه هر نسل مجزایی است چیدمان می‌شود. ادوار گذشته لایه به لایه تا زمانی که حیات تداوم دارد خود را در شهر حفظ می‌نمایند (مامفورد، ۱۳۸۵: ۳۰-۲۱).

بنابراین، شهر براساس نیازها، فعالیت‌ها و رفتارهای ساکنین آن شکل می‌گیرد. هر رفتاری که توسط انسان صورت می‌گیرد اساساً متکی به فرهنگ است. فرهنگ به عنوان مجموعه دستاوردهای معنوی و مادی یک جامعه (شامل ارزش‌ها، سنت‌ها، آداب و رسوم، سطح دانش و فن‌آوری و... می‌باشد)، بر معماری و فضاهای شهری تأثیر می‌گذارد. به واقع آنها، تبلور عینی این ذهنیت هستند. تصویر ذهنی نقش مهمی در ثبت نشانه‌ها ایفا می‌کند. مکتب اندیشه ذهنی و مؤلفه‌های آن و ادراک از این منظر در روند ایجاد تصویر ذهنی دخیل‌اند. ارتباط تنگاتنگ ادراک و تصویر ذهنی و تلفیق تار و پود آنها در یکدیگر بر کسی پوشیده نیست. تصویر ذهنی منتج از عوامل متعددی است که مؤلفه‌های تأثیرگذار در تصاویر ذهنی مشترک از شهر را ایجاد می‌نماید (نمودار ۱).

نمودار ۱: مؤلفه‌های تأثیرگذار در تصاویر ذهنی مشترک از شهر



ستاده‌های حاصل از تصاویر ذهنی مشترک از شهر در تلفیقی چند وجهی به شکل‌گیری قراردادهای اجتماعی، الگوهای مشترک و ایجاد سامانه‌ای از رمزگان‌ها منجر می‌شود؛ که در توصیف نظام‌های نشانه‌ای در شهر و فرآیند رمزگشایی از آنها، بن‌مایه‌های اصلی محسوب می‌گردد.

۲. جمع‌بندی

برای فهم علم نشانه‌شناسی در شهر، درک قواعد بازی نشانه‌ها الزامی است. شهر ساختاری است که دلالت‌کننده‌ها را به کار می‌گیرد و این توجه خاص به چگونگی کاربرد دلالت‌کننده‌هاست، که علم نشانه‌شناسی شهر را پی‌ریزی می‌کند. زمانی که از شهر صحبت می‌شود، آن را ورای دیدن، سکونت و گشت و گذار درک می‌کنیم. شهر محصول زمان است و در لایه‌های متعدد آن خصیصه‌های هر نسل ظهور می‌یابد. در تحلیل نشانه‌شناسانه، کشف معنا از طریق بازشناسی نظام‌های نشانه‌ای صورت می‌گیرد. این تفسیر از استعاره و مجاز به تشریح نشانه‌ها گذار می‌کند. این همان علم معانی است که با گسترش غیر قابل تصور، به ما در زمینه نشانه‌شناسی کمک خواهد کرد. فلسفه نشانه‌ها باید درک شود، نشانه‌شناسی در پی شناسایی فلسفه آن‌ها است، و تنها به چارچوب قواعد عمومی بین دلالت‌کننده‌ها و دلالت‌شونده‌ها و ارتباط معمولی آنها بسنده نمی‌کند.

بنابراین تکیه بر دلالت‌شونده‌ها در ابتدا ناپایدار است و به همین دلیل لازم است، تا با توجه به دلالت‌کننده‌ها، نقش دلالت‌شونده‌ها را تعیین کرد. در نشانه‌شناسی شهری می‌باید به دقت به تقسیم‌ی از مشخصات و طبقه‌بندی نشانه‌ها پرداخت. پس از تبیین نظام‌های نشانه‌شناختی در شهر، بازنمایی اشکال نشانه‌ها صورت می‌گیرد. دلالت‌شونده‌ها برای گروهی دیگر دلالت‌کننده بوده و این امر متقابلاً تکرار می‌شود. در واقع هر مجموعه فرهنگی در برابر زنجیره‌هایی از استعاره‌های پایان‌ناپذیر قرار دارد، به طوری که دلالت‌شونده‌ها، خود به دلالت‌کننده‌ها تبدیل می‌شوند. شهر از نظر نشانه‌شناسی محل برخورد و تلاقی فرهنگ‌ها است. می‌باید برای شهر زنجیره‌ای استعاره‌ای یافت؛ زنجیره‌ای که فناپذیر باشد. بنابراین، می‌باید تصاویر عمیق‌تری از پدیده‌های شهری را که در آن زندگی می‌کنیم، کشف نموده و با تسلط بر برداشت‌های متعدد، از ساکنان شهر گرفته تا رهگذران و متخصصین، زبان شهر را رمزگشایی نمود (نمودار ۲).

نمودار ۲: صور بازنمایی نشانه‌ها در شهر



بازشناسی بخش‌های پایدار و طبقه‌بندی و ایجاد سامانه‌ای از نشانه‌ها، با توجه به شاخص‌های عملیاتی رمزگان‌ها انجام می‌گیرد. شناسایی رمزگان‌ها از الزامات عملی رسیدن به بخش‌های پایدار در شهر است و اطلاعاتی از تحدید زمانی، مکانی و مفهومی رمزگان‌ها در شهر ارائه می‌دهد (نمودار ۳).

رمزگان اجتماعی در شهر، توسط همگرایی با هنجارهای اجتماعی-فرهنگی که از پیدایش هسته اولیه شهر تا کنون حضور داشته و مشتمل بر اعتقادات و باورها، فرهنگ و آداب و رسوم، آئین‌ها و رسوم ملی و مذهبی و ارزش‌های حاکم بر جامعه است، نمود می‌یابد. رمزگان‌های زیبایی‌شناختی در شهر، با همگرایی از طریق تلفیق با هنرهای بومی، که مصداق عینی ذوق هنری و خلاقیت افراد در کاربرد نقوش نمادین و شکل‌واره‌ها در صنایع دستی، نقاشی، مجسمه‌سازی، معماری و... است تجلی پیدا می‌کند. رمزگان‌های منطقی در شهر به واسطه همگرایی با عوامل طبیعی، از جمله موقعیت استقرار در طبیعت و سیر تحول کالبدی شهر در گذر زمان (انتظام ساختار فضایی شهر، استخوانبندی شهر، فضاهای شهری، گونه‌شناسی ابنیه، تصویر ذهنی از شهر و...) مشخص می‌شود. نهایتاً بر مبنای سامانه‌ای یکپارچه از رمزگان‌های سه‌گانه، نظام‌های نشانه‌ای در شهر به نظام‌های معنادار تبدیل می‌شود.

نمودار ۳: بازشناسی بخش‌های پایدار در شهر از طریق شکل‌گیری سامانه‌ای از نشانه‌ها



رمزگان‌های زیبایی‌شناختی و هنری که نشاننداری شهر در دلالت‌های تصویری و تلویحی با آنها همگرا است.
- هنرهای بومی
- صنایع دستی، مجسمه‌سازی، معماری، ادبیات، موسیقی....

رمزگان‌های اجتماعی که نشاننداری شهر در دلالت‌های تلویحی با آنها همگرا است.
- اعتقادات و باورها
- فرهنگ و آداب و رسوم
- ارزش‌های حاکم بر جامعه
- آئین‌ها...

سازوکار شناسایی شاخص‌های عملیاتی رمزگان‌ها در شهر

رمزگان‌های منطقی که نشاننداری شهر در دلالت‌های تصویری با آنها همگرا است.
- نشاننداری ساختار شهر
- نشاننداری فضاهای شهری
- نشاننداری تصویر ذهنی
- نشاننداری گونه‌شناسی ابنیه

پی‌نوشت

* جداول و نمودارهای این نوشتار اخذ شده از رساله دکتری شهرسازی زهرا السادات سعیده زربادی که به راهنمایی آقایان دکتر حمید ماجدی و دکتر محمد نقی‌زاده تحریر گردیده است.

** در این جا سه وجه نشانه با چند مثال روشن‌گر ارائه شده‌اند. ۱- وجه نمادین: در این وجه دال شباهت ظاهری به مدلول ندارد بنابراین رابطه میان دال و مدلول باید استنباط و درک شود. مثل: نخل‌گردانی و نخل در مراسم سوگواری و عزاداری نمادی از تکریم و ارادت به مقدسین، کاربرد شکل‌واره‌های نمادین نقش‌بسته بر ظروف سفالین و سرامیک نشأت گرفته از طبیعت کویر با نقش‌های اصیل «خورشید خانم» و «مرغ و ماهی» که شهرت فراوان دارد. «خورشید» سمبل آفتاب درخشان کویر، «مرغ» نماد گونه‌ای از گنجشکان نواحی کویری و «ماهی» کنایه از کم آبی این سرزمین است، برج آزادی و ... ۲- وجه شمایی: در این وجه مدلول به خاطر شباهت به دال یا به این علت که تقلیدی از آن است دریافت می‌شود (تشخیص مدلول با نگاه کردن، گوش دادن، لمس کردن، چشیدن یا بوئیدن چیزی شبیه آن انجام می‌شود). دال به علت دارا بودن بعضی از کیفیات مدلول شبیه آن است. مثل نقاشی چهره، ماکت‌ها در معماری و شهرسازی و ... ۳- وجه نمایه‌ای: در این وجه دال اختیاری نیست بلکه به طور مستقیم (فیزیکی یا علی) به مدلول مرتبط است، این ارتباط می‌تواند مشاهده یا استنتاج شود. مثل: «نشانه‌های طبیعی» (دود، رعد، جای پا، انعکاس صدا، طعم‌ها و بوهای غیر مصنوعی)، گونه‌شناسی ابنیه، تقسیمات و تناسبات نماها، مصالح و رنگ در اقلیم‌های مختلف و ...

- 1) Ferdinand De Saussure
- 2) Charles Sanders Peirce
- 3) Generic Term
- 4) Processes Interpretative

منابع

- چندلر، دانیل (۱۳۸۶): "مبانی نشانه‌شناسی"، ترجمه مهدی پارسا، تهران، شرکت انتشارات سوره مهر.
- دینه‌سن، آنهماری (۱۳۸۰): "درآمدی بر نشانه‌شناسی"، ترجمه مظفر قهرمان، آبادان، نشر پرسش.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۳): "نشانه‌شناسی کاربردی"، تهران، نشر قاصد.
- فرهنگستان هنر (۱۳۸۵): "مجموعه مقالات ویژه نشانه‌شناسی هنر"، پژوهشنامه فرهنگستان هنر، دو ماهنامه، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر، سال اول.
- مامفورد، لویییز (۱۳۸۵): "فرهنگ شهرها"، ترجمه عارف اقوامی‌مقدم، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- میرهن، زهرا (۱۳۷۸): "نماد و نشانه"، تهران، فصلنامه معماری و فرهنگ، شماره ۴: ۷-۳.
- نجومیان، امیرعلی (۱۳۸۵): "هزار توی شهر در هزار توی متن"، مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر، تهران، فرهنگستان هنر: ۲۱۳-۲۲۱.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۵): "معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری)"، اصفهان، انتشارات راهیان.

- Bacon, E. (1985) "Language of Cities", Newyork, Town Planning Review
- Barthes, R. (1967) "Elements of Semiology (Trans. Annette Lavers & Colin Smith)", London, Jonathan Cape.
- Chandler, Daniel. (2007) "Semiotics: The Basics", London, Rout Ledge.
- Clarke, D.S. (2003) "Sign Levels", Dordrecht, Kluwer.
- Danesi, Marcel. (2007) "The Quest for Meaning: A Guide to Semiotic Theory and Practice", Toronto, University of Toronto Press.
- Deely, John. (2001) "Four Ages of Understanding", Toronto, University of Toronto Press.
- Deely, John. (2003) "The Impact on Philosophy of Semiotics", South Bend, St. Augustine Press.
- Deely, John. (2005) "Basics of Semiotics", 4th ed, Tartu, Tartu University Press.
- Peirce, Charles Sanders. (1931-58) "Collected Writings", (8 Voles). (Ed. Charles Hartshorne, Paul Weiss & Arthur W Burks). Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Saussure, Ferdinand de. (1983) "Course in General Linguistics, (trans. Roy Harris)", London, Duckworth.